

شنبه • ۱۷ بهمن ۱۳۹۴ • سال سیزدهم • شماره ۲۵۱۴ • ۹

روزنامه شرق	
جهان	
عصر اطلاعات، فرصت یا تهدید	صفحه ۱۰
سینمای ایران هنوز نفس می‌کشد	صفحه ۱۱
به همه چیز ۲ بار نگاه کنیم؛ گفت‌وگو با فرح اصولی	صفحه ۱۲

نگاه
حضور روسیه در سوریه بلندمدت خواهد بود؟ استفان روزنبرگ

گروه بی‌بی‌سی در نوامبر سال ۲۰۱۵ از پایگاه نظامی «الحمیمیم» سوریه بازدید کرد. از آن زمان تاکنون شرایط بسیار تغییر کرده است، ما ۱۰ روز بعد از آن به پایگاه مذکور رفتیم که یک جنگنده روسی در نزدیکی‌های مرز ترکیه با سوریه سرنگون شد و نخستین روسی را به کشتن داد. هم‌اکنون آسمان سوریه بسیار شلوغ‌تر از گذشته است. بریتانیا نیز حملات هوایی خود را از دسامبر گذشته شروع کرد، هرچند این حملات بسیار کمتر از حملاتی است که از چهار ماه پیش تاکنون روسیه انجام می‌دهد. وزارت دفاع روسیه موافقت کرد گروهی از رسانه‌های خارجی به سوریه سفر کنند. من یکی از کسانی بودم که به یک سفر چهارروزه دعوت شدم و بسیار علاقه‌مند بودم ببینم چه چیزهایی تغییر کرده است.

پایگاه سوریه

با یک هواپیمای روسی از نوع «الیوشن» از یک پایگاه نظامی نزدیک مسکو به پایگاه هوایی «الحمیمیم» سوریه واقع در نزدیکی «لاذقیه» پرواز کردیم. وقتی مسکو حملات هوایی خود را شروع کرد گفت این یک عملیات موقتی خواهد بود اما بعد از چهار ماه هیچ نشانه‌ای مبنی بر کاهش این عملیات دیده نمی‌شود. در خلال یک آموزش‌های زمین به زمین مدل اس-۴۰۰ روسی را دیدیم. این زرادخانه بعد از سقوط جنگنده روسی در ماه نوامبر به سوریه منتقل شد. ما به چشم دیدیم که مهمات به سمت این موشک‌اندازها برده می‌شند. دولت‌های غربی روسیه را متهم می‌کنند که به دلیل استفاده از مهمات غیرموجه شهروندان عادی را به کشتن می‌دهد. من از ژنرال «ایگور کوناچنکف» سخنگوی وزارت دفاع روسیه خواستم دراین‌باره توضیح دهد. اما او گفت: «حقیقت ندارد. این برای آن نیست». کوناچنکف تنها نظامی‌ای بود که اجازه داشت در آن پایگاه هوایی با روزنامه نگاران صحبت کند. او به ما گفت غیرممکن است بتوانید با سربازانی که داریم مصاحبه مطبوعاتی کنید، در یک جای دیگر از این پایگاه هوایی، نیروهای روسی به ما نشان داده شد که مشغول حمل‌کمک‌های انسان‌دوستانه بودند. قرار بود این کمک‌ها به وسیله چتر نجات برای شهروندان مناطق اطراف شهرک «دیرالزور» واقع در شرق سوریه فرستاده شود؛ این شهرک مدت‌هاست از سوی تشکیلات «داعش» محاصره است. افسران نیروی دریایی روسیه گفتند به آنها سپرده شده با ما صحبت کنند بااین‌حال هیچ‌کدام دستور کار روزانه را نمی‌دانستند و به‌همین‌دلیل وقتی سوار اتوبوس خبرنگاران شدیم نمی‌دانستیم کجا قرار است برویم. اتوبوس، ما را به سمت جنوب به موازات ساحل تا بندر «طرسوس» برد؛ جایی که روسیه یک پایگاه دریایی بزرگ از دوران شوروی سابق دارد. آنجا نه یک پایگاه مکمل بلکه بیشتر یک ایستگاه حفظ و تجهیز کشتی‌های جنگی است. بااین‌حال طرسوس تنها منفذ روسیه به دریای مدیترانه است و به‌همین‌دلیل اهمیت استراتژیک زیادی برای مسکو دارد. به‌جز موارد نادر به خبرنگاران خارجی اجازه بازدید از این پایگاه داده نمی‌شود اما گروه ما حتی اجازه یافت سوار کشتی‌های روسی شود، ازجمله کشتی «امپیرال کولاکوف». مأموریت اصلی این کشتی کنترل و انهدام زیردریایی‌های دشمن بود و به عنوان بخشی از عملیات نظامی روسیه در سوریه و در دریای مدیترانه به شمار می‌رفت. وقتی داشتیم حرکت می‌کردیم با کاپیتان «واریک» آشنا شدیم؛ از او پرسیدم چرا روسیه باید به یک کشتی ضدزیردریایی در اینجا احتیاج داشته باشد حال آنکه داعش اساساً فقط زیردریایی است؟ او در جواب گفت: تهدیدهای دیگری وجود دارد ازجمله قایق‌های تندرو تروریست‌ها که حامل مواد منفجره است. ما از یک فاصله دور در آنجا موشک‌های روسی مدل «فاریاک» را هم دیدیم. روز بعد نیروهای روسی ما را به مناطق کوهستانی در خارج از لاذقیه بردند. از راه‌های باریک و روستاهای کوچک عبور کردیم. در راه باغ‌های پرتقال و نارنگی و مناظر جذابی از کوه‌های پوششیده از برف دیدیم. مناظر زیبایی‌که کاملاً با جنگ داخلی موجود در سوریه تناقض داشت. بعد از یک ساعت حرکت، به خبرنگاران و تصویربرداران جلیقه‌های مخصوص داده شد و آنها سوار بر کامیون‌های زرهی شدند تا به آخرین ایستگاه بروند. در راه ما پیوسته از منافذ کامیون بیرون را نگاه و تلاش می‌کردیم بدانیم چه خبر است. وقتی به روستای «سلمما» نزدیک شدیم آثار جنگ کاملاً دیده می‌شد؛ ساختمان‌های ویران، منازل سوراخ‌سوراخ به وسیله شلیک گلوله یا خمپاره‌ها، بقایای تانک‌های آتش گرفته. یک هفته می‌شد که ارتش سوریه این روستا را از دست مخالفان مسلح پس گرفته بود، البته با کمک نیروی هوایی روسیه. بااین‌حال هنوز برخی ساختمان‌ها چنانکه به ما گفتند بمب‌گذاری شده بود. جالب اینکه هم‌زمان با ورود ما «ابراهیم سلیم» استاندار لاذقیه نیز به آنجا رسید، او به ما گفت: «روسیه به سوریه کمک کرد، تروریست‌ها را هدف قرار داد و سلاح و مراکزشان را منهدم کرد». به پایگاه هوایی روسیه بازگشتیم و پیش از آنکه دوباره به مسکو بازگردیم، گزارش تلویزیونی خود را آماده کردیم. برداشتم از این سفر آن بود که عملیات نظامی روسیه و حضور نظامی این کشور در سوریه طولانی خواهد بود. در گذشته «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهور روسیه، گفته بود این عملیات به‌لحاظ زمانی «محدود» خواهد بود، اما چشم‌انداز پایدانی دیده نمی‌شود.

منبع: بی‌بی‌سی

یادداشت

مقاومت پیونگ یانگ

هم‌زمان با انتظار کره‌شمالی برای واکنش سازمان ملل به نخستین آزمایش بمب هیدروژنی پیونگ‌یانگ، به نظر می‌رسد واشگتن به فکر انجام اقداماتی است؛ از ممنوعیت فروش نفت کره‌شمالی یا خرید مواد معدنی آن، خارج‌کردن بانک‌ها از تجارت با پیونگ‌یانگ گرفته تا محروم‌کردن این کشور از دسترسی به اقتصاد مبتنی‌بر دلار یا حتی ممنوعیت ورود هواپیماهای این کشور به حریم هوایی سایر کشورها.به گفته برخی، چنین اقداماتی اگر با شدت اجرائی شوند با هم می‌توانند برای برهم‌زدن ثبات رژیم حاکم کره‌شمالی کافی باشند و این یک شگفتی بزرگی خواهد بود اگر به این اقدامات در فهرست نهایی سازمان ملل نیز اشاره شده باشد. هر قدرت بزرگی در منطقه دلیل خوبی دارد تا بخواهد کره‌شمالی را از تبدیل‌شدن به یک تهدید مهم اتمی بازدارد. اما چین نسبت به کافی‌بودن اقداماتی چون اعمال تحریم‌های بیشتر علیه کره‌شمالی ابراز تردید می‌کند. روسیه نیز که علاقه‌ای به ابتکارعمل‌های سیاست خارجی آمریکا ندارد همواره تلاش کرده تا به‌جای دوری از دولت پیونگ‌یانگ به آن نزدیک شود. حتی کره‌جنوبی که بیشترین آسیب را از پیشرفت برنامه اتمی میسر به‌اش می‌بیند به نظر می‌رسد نسبت به ضرورت انجام چنین اقدامات شدیدی از جمله تعطیلی منطقه صنعتی مشترک تردید دارد. جدای از تحلیل‌گران افراطی واشنگتن، هیچ‌کس نمی‌خواهد تا با نتیجه اقدامات بین‌المللی هماهنگ‌شده برای بی‌ثبات‌کردن رژیم «کمیک جونگ اون» در کره‌شمالی روبه‌رو شود، هرچقدر که آنها نسبت به سوابق حقوق‌بشری، حکومت اقتدارگرا و رویکردهای نظامی‌گرانه این کشور مخالف باشند حاضر به رویارویی با نتایج چنین تقابلی نخواهند بود.

نقطه کلیدی در حل تنش‌ها با کره‌شمالی دست‌برداشتن آمریکا از رویکرد خصمانه خود است که از دوران جنگ سرد در این کشور مانده است. تاکنون تحریم‌ها علیه پیونگ‌یانگ ممنوعیت خریدوفروش سلاح، ممنوعیت معامله با برخی افراد و گروه‌ها و برخی اقدامات دیگر را شامل شده است اما روشن است که این تحریم‌ها در رسیدن به هدف خود که همانا خلع هسته‌ای پیونگ‌یانگ بوده شکست خورده‌اند. اما با وجود تشدید خامت اوضاع اقتصادی، پیونگ‌یانگ سلاح اتمی دارد و اکنون در قانون خود نیز به حق خود در دستیابی و توسعه این سلاح تأکید کرده است. کره‌شمالی می‌گوید این تسلیحات دفعش اجتناب‌ناپذیر استراتژی دفاع ملی آن هستند. هیچ کشوری حتی افریقای‌جنوبی اگر در چنین مسیری تا به اینجا پیش برود از آن بازنخواهد گشت. درهمین‌حال، «جوزف دتوماس»، دستیار سابق وزیر خارجه آمریکا، می‌گوید: اگر دولت سوریه برای یافتن راه‌حلی از طریق مذاکره را افزایش دهد، از آنجایی که آمریکا و متحدانش کارت‌های زیادی دارند که رو کنند، این کار باید به صورتی انجام پذیرد که بازتابی از منافع و ترجیحات آمریکا باشد و هیچ‌یک از اولویت‌های آمریکا نادیده گرفته نشود. البته این به معنای ایجاد هرگونه ائتلاف رسمی یا غیررسمی با روسیه نیست چراکه این کار با منافع آمریکا مغایرت دارد و برای اغلب متحدان و شرکای واشنگتن، از بروکسل گرفته تا ریاض قابل‌قبول نخواهد بود.



تحولات سوریه و مذاکراتی که همچنان ادامه دارد بحرانی که همه‌گیر شد	بین تهران-ریاض از سوی دیگر که این روزها به دلایلی به‌شدت اوج گرفته بود، پیشرفت در مذاکرات ژنو را به صفر رساند. دراین‌میان مسئله سرنوشت بشار اسد مهم‌ترین موضوعی بود که سال گذشته نیز مانند سال‌های قبل بارها مطرح شد. روزنامه‌نگاران عرب از این موضوع به‌عنوان «عقده اسد» یاد می‌کنند که به معنای گیر، پیچ یا گرهی گور است که باید آن را با دندان باز کرد. اتفاقاً بشار اسد در سال گذشته بارها خود را در انتظار نشان داد و با رسانه‌های مختلف ایرانی، عربی و غربی به گفت‌وگو نشست. او حتی برای نخستین‌بار در طول جنگ داخلی سوریه، به مسکو سفر و با ولادیمیر پوتین دیدار کرد. بااین‌حال، درباره او همچنان دو موضع اصلی وجود دارد: ایران و روسیه به‌عنوان متحدان قدیمی اسد، او را تنها گزینه مقبول برای ریاست‌جمهوری سوریه می‌دانند و درنهایت می‌گویند فقط مردم سوریه حق دارند سرنوشت او را تعیین کنند. با این تفاوت که روس‌ها گاه زیگ‌راک می‌روند و به صورت تلویحی و اشاره‌وکنایه حرف‌هایی می‌زنند که تناقض‌آمیز است؛ مثلاً گاه‌وبیگاه می‌گویند «اسد هم اشتباهاتی مرتکب شده است» یا «ما نگفته‌ایم برای همیشه اسد باید در رأس قدرت باقی بماند» یا اینکه «می‌توانیم به اسد پناهندگی دهیم» و از این قبیل حرف‌های دوهپلو و غلط‌انداز که به محض برداشت‌های ناهماهنگ، مقامات روسی آن را به دلخواه خود تفسیر می‌کنند. ازاین‌رو می‌شود نتیجه گرفت گزینه اصلی برای مسکو نیز بقای «اسد» است. در مقابل موضع‌گیری ائتلاف عربستان، کشورهای همسو با ترکیه و آمریکا وجود دارند که همه خواستار کناره‌گیری اسد هستند. با این تفاوت که سال گذشته مقامات آمریکایی و اروپایی نرمش‌های بیشتری نسبت به این موضوع نشان دادند و حتی آمریکایی‌ها در آخرین سخنان خود تصریح کردند او می‌تواند حداکثر برای یک‌ونیم سال دیگر در قدرت باقی بماند؛ یعنی مدت‌زمانی که با در نظرداشتن مذاکرات ژنو می‌توان گفت آمریکایی‌ها به بقای اسد تا پایان دوره انتقالی رضایت داده‌اند. اما دوره انتقالی قرار است چه زمانی شروع شود؟ و تا کی ادامه داشته باشد؟ اینها هیچ‌کدام روشن نیست و همین‌ها نشان می‌دهد اسد همچنان رئیس‌جمهوری سوریه خواهد بود. ازاین‌رو باید گفت تا اینجای کار بحران سوریه دامن همه را گرفته است؛ از ایران و روسیه گرفته تا عربستان، ترکیه، آمریکا، اروپا و … حتی آتش این جنگ ویرانگر دامن کشورهای را گرفته است که در آن سوی اقیانوس‌ها بوده و هزاران کیلومتر با سوریه فاصله دارند. حوادث تروریستی چندی پیش در اندوژی نشان داد عاملانش پیش‌تر در سوریه آموزش دیده بودند. سوریه هم‌اکنون به مرکزی برای پرورش تروریست‌هایی از چهار گوشه جهان تبدیل شده است که از اقصا نقاط به آنجا می‌آیند و مجرب و هدف‌دار بازمی‌گردند. این واقعیتی هولناک است که تقریباً همه کشورهای جهان آن را درک کرده و از مصیم قلب آرزوی خاتمه‌دادن به این وضعیت را دارند. سوریه به نفرین زمین تبدیل شده است و برای حل بحران این کشور باید همه کشورهای دخیل برایش هزینه کنند.
راهبرد خطرناک نه جنگ نه صلح	باین‌همه با درنظرگرفتن اهداف کلیدی و راهبردی آمریکا در سوریه و در جهان باید گفت، مخالفت همیشگی و ثابت با پوتین نیز منطقی نیست. هدف اساسی آمریکا در سوریه باید بر اصل ممانعت از تسلط داعش بر این کشور استوار باشد. درواقع تعداد اندکی از مردم آمریکا بشار اسد را تهدیدی علیه آمریکا تلقی می‌کنند، چراکه اسد مسئول مرگ بیش از سه‌هزار آمریکایی در حملات ۱۱ سپتامبر نیست. لزوم مبارزه توام با گروه‌های تروریستی مانند «داعش» و «جهه النصره» یکی از دلایلی است که دولت اوباما و اغلب کارشناسان خارجی ترجیح می‌دهند تا از حذف دولت و ارتش سوریه صرف‌نظر کنند. چراکه وجود هردو آنها برای مبارزه با گروه‌های افراطی در سوریه الزامی است. پرهیز از دچارشدن به پیامدهای پرهزینه و گرانی که اشتباه دولت «جرج بوش»، رئیس‌جمهوری سابق آمریکا، در سرنگونی دولت عراق گریبانگیر آمریکا کرد، یکی دیگر از دلایل اتخاذ سیاست اعلام‌شده واشنگتن در سوریه محسوب می‌شود. درواقع از همین دیدگاه سخنان «دونالد ترامپ»، نامزد انتخاباتی آمریکا، درست است؛ او می‌گوید، حملات پوتین به مواضع داعش و النصره در سوریه و کمک به نیروهای اسد درواقع با منافع آمریکا در سوریه منافاتی ندارد. اما باید از دیدگاهی دیگر به این قضیه نگاه کرد. حملات روسیه به گروه‌های مسود حمایت آمریکا ضربه‌ای به جایگاه واشنگتن به‌شمار می‌رود، چراکه اجازه‌دادن به پوتین برای اینکه معمار سوریه نوین به نظر بیاید و به‌خاشیه‌راندن آمریکا از همه اینها بدتر است. البته نه روسیه و نه شخص پوتین هیچ‌یک قادر به تشکیل ائتلاف فراگیر ضدداعش یا قادر به حل دیپلماتیک بین‌المللی

تحولات سوریه و مذاکراتی که همچنان ادامه دارد

بحرانی که همه‌گیر شد

شده است که یکی از آخرین موارد آن آزادسازی شهر «الربیع» در استان لاذقیه است؛ اما نتوانست هیچ شهر مهمی را از چنگ داعش خارج کند. این در حالی بود که داعش همچنان به حیات خود ادامه داده و حتی برای برون‌رفت از این وضعیت دست به انجام برخی عملیات‌های تروریستی در اقصی نقاط جهان زد تا به دیگران تفهیم کند که فشارها بر این گروه عواقب سنگین‌تری را در سایر نقاط جهان به همراه خواهد داشت؛ البته سال گذشته گروه داعش حتی توانست با تصرف شهر «پالمیرا» و تخریب آثار باستانی‌اش متصرفات خود در سوریه را توسعه داده و به‌لحاظ تبلیغاتی نیز خود را در رسانه‌های جهان مطرح کند.

مذاکرات ژنو

سرنگون‌شدن یک هواپیمای مسافری روسیه در «شرم‌الشیخ» مصر و نیز یک هواپیمای نظامی این کشور در مرزهای ترکیه و سوریه، رنگ‌های خطر را به‌شدت در مسکو به صدا در آورد. این اتفاقات گرچه رابطه مسکو-قاهره را از یک سو و مسکو-آنکارا را از سوی دیگر متشنج کرد و حتی به سطح تحریم ترکیه از سوی روسیه کشاند؛ اما به مسکو فهماند که احتمال تکرار سرنوشت آمریکا در عراق یا افغانستان برای روسیه نیز وجود دارد. ازاین‌رو، متوسل‌شدن به روند سیاسی اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا کرد و «سرگئی لاوروف»، وزیر خارجه روسیه، در مذاکرات خود با «جان کری»، وزیر خارجه آمریکا، اعلام کرد که قصد دارند مذاکرات ژنو را از نو فعال کنند. این مذاکرات در دو نوبت قبلی دستاوردی نداشت و درواقع مسکو با این ابتکار عمل می‌خواست با یک تیر، دو نشان بزند؛ زیرا از یک سو خود را از بحران سوریه خلاص می‌کرد و از سوی دیگر، با دادن امتیازاتی، خود را از زیر تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا به دلیل بحران اوکراین نجات می‌داد. به بیان دیگر، روسیه با کپی‌برداری از مذاکرات هسته‌ای ایران، دست به یک بازی برد-برد زد. شروع مذاکرات، امیدهای تازه‌ای را درباره سوریه برانگیخت و دست‌کم نشان داد بهترین راه حل مسالمت‌آمیز و عاقلانه برای سوریه همین مذاکرات چندجانبه داخلی-خارجی است؛ به‌خصوص که این بار با افشاری آمریکا، عربستان سعودی مجبور شد بپذیرد که ایران نیز به‌عنوان یک کشور تأثیرگذار در این مذاکرات شرکت کند؛ اما عربستان که می‌ترسید بازنده این بازی باشد از یک سو به همراه طیف کشورهای همسو با خود ازجمله ترکیه و قطر دست به تشکیل ائتلاف‌هایی نظامی علیه تروریسم زد و از سوی دیگر، دست پیش گرفته و رهبران عمده گروه‌های مخالف را به ریاض دعوت کرد. به دنبال آن، عربستان فهرستی را به‌عنوان نمایندگان گروه‌های مخالف تهیه کرد که به دلیل حضور نمایندگان گروه‌های «جیش‌الاسلام» و «حرارالاشام» روسیه با آن مخالفت کرد. مسکو در مقابل این امر پیشنهاد کرد که نمایندگان کردهای سوریه نیز در مذاکرات دعوت شوند؛ گروهی که سایرین آن را متحد «بشار اسد»، رئیس‌جمهوری سوریه می‌دانند و ترکیه نیز به‌شدت با حضور آنها در مذاکرات مخالف بود؛ ازهمین‌رو، اختلافات بین مسکو-آنکارا و مسکو-ریاض از یک سو و اختلاف

این یادداشت در حالی نوشته می‌شود که سرنوشت گفت‌وگوهای ژنو۳ روشن نیست؛ گفت‌وگوهایی که قرار است در صورت موفقیت در سوریه آتش‌بس برقرار کرده و ظرف مدت زمانی کوتاه، دولتی انتقالی تشکیل دهد؛ دولتی که حداکثر ظرف ۱۸ ماه وظیفه دارد در این کشور یک قانون اساسی جدید تدوین و انتخاباتی سراسری برگزار کند. در این انتخابات سرنوشت ریاست‌جمهوری و پارلمان آینده سوریه تعیین خواهد شد. چندی پیش «جو بایدن»، معاون «باراک اوباما»، رئیس‌جمهور آمریکا، در کنفرانس مطبوعاتی با «احمد داووداوغلو»، تهدید کرد اگر مذاکرات ژنو به نتیجه نرسد، ممکن است آمریکا و ترکیه دست به اقدام نظامی مشترک در سوریه بزنند؛ اما اینها تهدیدی توخالی برای پیشبرد مذاکراتی که هم‌اکنون به بن‌بست رسیده، است. این ترسیم وضعیت کلی بحران سوریه است که سال‌هاست در یک حالت بن‌بست در جا می‌زند. پنج‌سال از جنگ داخلی سوریه می‌گذرد؛ جنگی که صدها گروه تروریستی شناسنامه‌دار و بدون شناسنامه را مانند قارچ در خاک سوریه پروراند. فشارهای ناشی از موج آوارگان در سال گذشته دیوارهای اروپا را به لرزه در آورد و یک‌بار دیگر لزوم پایان‌دادن به جنگ در سوریه را فریاد زد؛ اما باوجود حملات شدید و غلیظ هواپیماهای افاتل فرانسوی و بعد هواپیماهای تورنادوی انگلیسی، بعد از مدتی کوتاه آب‌ها از آسیاب افتاد و با پس‌کشیدن کانادا معلوم شد که اراده‌ای جدی برای قطعی‌کردن سرنوشت بحران سوریه از طریق جنگ وجود ندارد.

ناکهان روسیه

سال گذشته وقتی حلقه محاصره مخالفان در اطراف دمشق تنگ‌تر شده و استان شیعه‌نشین «لاذقیه» از دست رفت، ناکهان روسیه به صورت تمام‌قد وارد ماجرا شد. «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهوری روسیه، ناکهان فرمان حمله هوایی به پایگاه تروریست‌ها در سوریه را صادر کرد و به دنبال آن ده‌ها هواپیمای سوخوی این کشور روانه سوریه شدند تا عملیات انجام دهند. در فاصله صد روز از این عملیات، گفته شد هواپیماهای جنگی روسیه بیش از شش هزار سورتی پرواز داشته و صدها تن بمب و موشک بر مواضع تروریست‌ها ریختند. روسیه همچنین می‌گوید، در این مدت بیش از ۱۲۰ روستا و شهرک را از چنگ تروریست‌ها خارج کرده است. از همان ابتدا البته روشن بود که موفقیت روسیه فقط در گرو حضور نیروی زمینی فعال و کارآمد خواهد بود؛ ازاین‌رو ارتش سوریه بازسازی شد و با کمک‌های مستشاری، عملیات زمینی هماهنگ با حملات هوایی شروع شد. هرچند این تحرکات تاکنون موجب آزادی برخی از شهرها و روستاها در سوریه

آمریکایی‌ها «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهوری روسیه، را یک خودکامه می‌دانند که ظاهراً دولت اوباما را دور زده است. حمایت پوتین از «بشار اسد»، رئیس‌جمهور سوریه، هم به تیرگی روابط آمریکا و روسیه دامن زده است. ادعاهای مسکو مبنی‌بر تمرکز دامنه حملات خود در سوریه بر مواضع داعش و نیز عدم دخالت این کشور در اوکراین نیز این بی‌اعتمادی را دوچندان کرده است.



محمدعلی عسگری